

## چه رمزی در جادوی این علاء الدین بی چراغ نهفته است؟

یکشنبه ۸ مه ۲۰۱۱

بهروز عارفی

در فرانسه، بنیادی به نام «بنیاد یادمان شوآ» (۱) وجود دارد که هدف خود را «پشتیبانی از طرح هائی در زمینه تاریخ و پژوهش، آموزش و یادمان و انتقال، همبستگی و فرهنگ یهودی» اعلام کرده است. رئیس این بنیاد، داوید دو روچیلد و «شورای مدیریت آن مرکب از نمایندگان دولت، نهادهای یهودی و شخصیت های بارز» است. (۲) این بنیاد در سال ۲۰۰۰ تاسیس شد و به ادعای دست اندرکارانش، در آمد های آن از «محل اموال غصب شده یهودیان فرانسه [در دوران جنگ جهانی دوم] تامین می شود». در سایت فرانسوی این بنیاد، زمینه ماموریت های آن را چنین تعریف می کنند: تاریخ یهود ستیزی و شوآ، آموزش شوآ، یادمان و انتقال همبستگی فرهنگ یهودی: که منظور از آن را، «تقویت و تحکیم اجزای تشکیل دهنده مختلف فرهنگ یهودی و یهودیت» بیان می کند. در این زمینه، در سایت آمده است که هدف بنیاد «آشنائی فرانسویان و اروپائیان، با میراث یهودیت و فرهنگ یهود که دولت اسرائیل از بدو تاسیس آن، از اجزای تشکیل دهنده اساسی آن است» (تاکید از ماست). (۳)

بودجه بنیاد به بیست میلیون یورو در سال می رسد. اعضای هیئت مدیره آن را شخصیت هائی چون داوید دو روچیلد، سرژ کلارسفلد، روژه کوکرم، آلیس تاجمن، کلود لائزمن و پل شافر تشکیل می دهند. به این شخصیت ها خواهیم پرداخت.

بنیاد یادشده، در ۲۷ مارس سال ۲۰۰۹ (فروردین ۱۳۸۸) بنیادی به نام «علاءالدین» به راه انداخته که سایتی به زبان های فارسی، ترکی، عربی، انگلیسی و فرانسه دارد: [www.projetaladin.org](http://www.projetaladin.org). این تارنما، هدف خود را «ارتقای روابط مسلمانان و یهودیان از طریق شناخت متقابل» اعلام کرده است. البته، در سایت انگلیسی و فرانسه، به جای بنیاد، از واژه طرح (پروژه) علاءالدین استفاده شده است.

موسسان بنیاد «علاءالدین» هدف از تاسیس آن را چنین تعریف می کنند: «دست اندرکاران تاسیس بنیاد علاءالدین از آغاز بر این باور بودند که گفتگوی پایدار و پویا میان فرهنگ ها تنها در صورتی پا می گیرد که همه طرف های گفتگو بر سر تاریخ و خاطره تاریخی با هم در صلح و تفاهم به سر برند. به عبارت دیگر، آیا چنانچه یهودیان و مسلمانان هر یک نسبت به دیگری و دردها و آلامی که بر سر آن یکی آمده است اذعان کنند، مسیر تفاهم و گفتگو هموارتر نخواهد شد؟ و آیا چنین مسیری بسا سازنده تر از "انکار گرایی" از هر طرفی که باشد، نیست». و سپس ادامه می دهد: «از این رو بنیاد علاءالدین در عین این که یک نهاد فرهنگی اروپایی است (و در نتیجه موضوعات سیاسی از جمله نزاع اعراب و اسرائیل در حیطه کارش نمی گنجد)، بر آن شد که تعدادی از کتاب های معروف در باره هولوکاست را به فارسی و عربی ترجمه کند». بنیادی که می خواهد عرب ها و یهودیان را به یکدیگر نزدیک کند، از مهمترین معضل اعراب که حل مسئله اشغال فلسطین است، می گذرد، به این بهانه که «یک نهاد فرهنگی اروپائی است». چگونه می توان اعراب را به یهودیان نزدیک کرد، بدون این که به کشمکش که یک قرن است خاورمیانه را به آتش و خون کشیده است، پرداخت. در همین معرفی نامه می آید: «نوآوری علاءالدین در این است که تلاش می کند مسلمانان، یهودیان و مسیحیان را به زبان های مادری خودشان با فرهنگ و خصوصیات و تاریخ دیگری آشنا کند». ... «هدف بنیاد علاءالدین ارتقای شناخت متقابل میان جوامع و افرادی است که به فرهنگها و ادیان متفاوت تعلق دارند، با این امید که چنین شناختی به تغییر ریشه ای در رویکرد و نگرش این جوامع و افراد نسبت به "دیگری" راه برد و به گسترش فرهنگ

صلح و بردباری بیانجامد. در کانون این تلاش، روابط میان مسلمانان و یهودیان قرار دارد که به دلیل تحولات سیاسی از پایان جنگ جهانی دوم تاکنون رو به وخامت گذاشته است».

در بخش «ساختارهای غلاءالدین»، می خوانیم: « پروژه غلاءالدین که به ابتکار موسسه یادبود هولوکاست راه اندازی شد پس از چندی به دو نهاد مستقل تبدیل گشت که عبارتند از بنیاد غلاءالدین و صندوقی به همین نام. بنیاد غلاءالدین یک موسسه غیرانتقاعی است که رییس آن خانم آنماری روکولوسکی و نایب رییس آن آقای سرژ کلارسفلد می باشند و ریاست صندوق غلاءالدین که مسئولیتش تامین منابع مالی برای اجرای برنامه های این موسسه است را آقای داوید روتشیلد به عهده دارد».

آقای «داوید روتشیلد» (که تلفظ صحیح آن روچیلد است) رئیس بنیاد یادمان شوا نیز است. در مورد منابع مالی می نویسد: « هزینه برنامه های بنیاد غلاءالدین از طریق کمک های مالی افراد، بنیادها، دولت ها، سازمان های بین المللی و موسسات تجاری تامین می شود».

در مورد دولت ها و بنیاد های کمک کننده، توضیح بیشتری داده نشده است. اما، به برخی از «شریکان و حامیان» بنیاد که شماری از آنان کمک مالی نیز می کنند، اشاره شده است بدون این که میزان این کمک ها را روشن نمایند. سپس، هیئت امنا، اعضای کمیته اجرایی و اعضای هیئت مدیره بنیاد معرفی شده اند (۴). در «کمیته وجدان» که ریاست آن با دیپلمات سابق فرانسوی، ژاک آندرانی است، از جمله نام «آقای داریوش شایگان، نویسنده و فیلسوف، ایران» دیده می شود. در هیئت مدیره نیز نام یک ایرانی دیگر، خانم شهلا شفیق دیده می شود. البته در مورد چگونگی مسئولیت آنان توضیحی داده نشده است.

اعضای هیئت مدیره به نقل از سایت غلاءالدین به قرار زیر است: «ژاک آندرانی، سفیر کبیر فرانسه، سفیر سابق فرانسه؛ آندره آزوله مشاور ویژه پادشاه مراکش، رییس بنیاد اروپا و مدیران آن لیند برای گفتگوی فرهنگها، رییس هیئت اجرایی بنیاد سه فرهنگ و سه مذهب مستقر در سویل اسپانیا، عضو موسس فوروم داووس برای گفتگوی تمدن ها و ادیان؛ فتیحه بناتسو: عضو شورای اقتصادی و اجتماعی فرانسه، استاندار ویژه برای ایجاد فرصتهای برابر، نویسنده کتاب "روای جمیله"؛ ماری هلن برار؛ آنی دایان روزنمان؛ حکیم الکرای از جمله عضو هیئت مدیره بانک روتشیلد؛ علی السمان: مشاور انور سادات رییس جمهور فقید مصر عبده فیلالی انصاری: فیلسوف و اسلام شناس برجسته مراکشی؛ نیلوفر گوله: آنتروپولوژیست سرشناس از ترکیه؛ آن هیدالگو: معاون اول شهرداری پاریس از سال ۲۰۰۱ تا کنون، دبیر ملی سابق حزب سوسیالیست در امور فرهنگ و رسانه ها، مشاور ارشد سه وزیر در کابینه ژوسپن، نویسنده کتاب "یک زن در صحنه"؛ سرژ کلارسفلد: حقوق دان و نویسنده، رییس "اتحادیه فرزندان یهودیان فرانسوی منتقل شده به اردوگاههای مرگ"؛ جولیا کریستوا: زبان شناس؛ کلود لانزمن: از مشهورترین فیلمسازان معاصر فرانسه، اثر نامدار او فیلم نه و نیم ساعته "شوا" است که تاریخ شفاهی هولوکاست را بیان می کند و در سطح جهانی به عنوان بهترین فیلم در باره این واقعه شناخته شده است. لانزمن در سن ۱۸ سالگی به مقاومت فرانسه پیوست و به عنوان یک روزنامه نگار و فیلمساز همواره بر سر مسائل بین المللی مواضع روشنی اتخاذ کرده است. او شدیداً با جنگ الجزایر مخالفت می کرد و از امضاءکنندگان طومار ضد جنگ موسوم به مانیفست ۱۲۱ در سال ۱۹۶۰ بود. لانزمن سردبیر مجله "تان مدرن" (عصر جدید) است که توسط دوستان نزدیکش ژان پل سارتر و سیمون دو بوآر بنیانگذاری شد. او در سال ۲۰۰۹ خاطرات خود را با عنوان "خرگوش صحرائی" منتشر کرد که تبدیل به یک کتاب پرفروش در کشورهای مختلف از جمله فرانسه و آلمان شد؛ روک اولیویه مستر: نایب رییس دیوان محاسبات فرانسه؛ ژان موتاپا: مدیر بخش عرفان و مذاهب در انتشارات آلین میشل؛ دیریو ندیایه: وزیر در دولت های مختلف در سنگال؛ مارتین اوآکنین: وکیل، معاون شهردار نیس فرانسه؛ آن ماری روکولوسکی، مدیر کل سابق بنیاد شوا، مدیر کل سابق همکاری بین المللی در وزارت آموزش، تحقیقات و فناوری فرانسه؛ داوید روتشیلد، رئیس بنیاد شوا و رئیس بانک روتشیلد، فارغ التحصیل انستیتوی مطالعات سیاسی پاریس؛ شهلا شفیق، جامعه شناس، مقاله نویس، پژوهشگر و فعال حقوق زنان و حقوق

بشر از ایران، نویسنده چندین کتاب در باره افراط‌گرایی و اسلام تندرو، از جمله "زنان زیر حجاب" و "جاده و مه". او به تازگی در رأس یک تیم پژوهشگران اروپایی، تحقیقاتی را در باره روند افراط‌گرایی در میان جوانان مناطق شهری اروپا به پایان رسانده است؛ رنه ساموئل سیرات، خاخام اعظم سابق فرانسه؛ ابه ردکین، مدیر سابق بنیاد حقوق بشر « (۵)

بنیاد علاءالدین پیام‌های متعددی از شخصیت‌های جهانی از جمله پادشاه مراکش، سارکوزی، کلینتون و شیمون پرز رئیس‌جمهوری اسرائیل دریافت کرده است. (۶)

«شریکان و حامیان علاءالدین» به نقل از سایت علاءالدین که به این بنیاد کمک مالی می‌کند، به شرح زیر است: بنیاد یادبود شوآ، بنیاد آقا خان، بنیاد بشردوستانه ادموند سافرا، شهرداری نیس، شهرداری پاریس، وزارت امور خارجه فرانسه، وزارت دفاع فرانسه و کلیمز کانفرانس نیویورک « (۷)

در همین‌جا اشاره شود که ادموند یعقوب صفرا (که نامش را سافرا ترجمه کرده اند) بانکدار میلیاردر یهودی-لبنانی در حادثه آتش‌سوزی جنایتکارانه آپارتمانش در موناکو در سال ۱۹۹۹ به قتل رسید. همسرش از ثروت او بنیاد بشردوستانه ای ایجاد کرد (۸) که از جمله فعالیت‌هایش ساختن صدها کنیسه در گوشه و کنار جهان است. با توجه به مطالب بالا، روشن می‌شود که بنیاد یادمان شوآ (یا یادبود شوآ) که یکی از هدف‌های تبلیغ یهودیت و فرهنگ یهودی است (که به ادعای خودشان، اسرائیل تشکیل دهنده اساسی آن است)، در سال ۲۰۰۹، طرحی پیاده می‌کند بنام علاءالدین که هدفش «ارتقای روابط مسلمانان و یهودیان» اعلام شده است. در چارچوب همین هدف‌ها، فیلم نه‌ساعته شوآ (هولوکاست) ساخته کلود لائزمن با زیرنویس فارسی از برخی تلویزیون‌های فارسی‌زبان پخش شد. خانم شهلا شفیق عضو «هیئت مدیره» بنیاد علاءالدین در تبلیغ برای پخش این فیلم، نقش فعالی داشت.

اما، پیش از آن که به معرفی برخی از پایه‌گذاران این دو بنیاد بپردازیم، خوب است یادآوری شود که موضوع این نوشته، به هیچ‌وجه مسئله نسل‌کشی یهودیان نیست، فاجعه‌ای که باید در هر فرصتی به شدت محکوم گردد. نویسنده این مطلب در مقاله‌های فراوان و نیز در کتابی که درباره «مناقشه اسرائیل - فلسطین» ترجمه کرده، بارها به فاجعه شوآ پرداخته و نفی‌گرایان (یا انکارگران، به قول مترجم بنیاد علاءالدین) را افشا و نکوهش کرده است. فصل پنجم کتاب (۹) با عنوان «از نسل‌کشی یکی تا اخراج دیگری، رنج‌های طرف دیگر» به این موضوع پرداخته است. در این فصل با طرد و نکوهش جنایات نازی‌ها و نفی‌گرایی روشنفکرانی چون گارودی و روبر فوریسون به بازخوانی مختصر رویدادها پرداخته است. برخلاف ادعای گردانندگان علاءالدین، باید از نسل‌کشی یهودیان یک درس انسان‌دوستانه جهانشمول بیرون کشید. این واقعه بخشی از میراث مشترک انسانیت است. بنیاد شوآ و علاءالدین، به خصلت مذهبی نسل‌کشی بیشتر اهمیت می‌دهند. برای صهیونیست‌ها، قتل عام یهودیان دلیلی بر ضرورت وجود اسرائیل به عنوان پناهگاهی برای یهودیان دنیاست. این شانتاژی است که هیچ‌کس جرئت انتقاد از سیاست‌های ضدانسانی حکومت‌های پی‌در پی اسرائیل را نباید داشته باشد. باید تکرار کرد که هر انتقادی از سیاست دولت اسرائیل و حتی صهیونیسم به معنی یک موضع‌گیری یهود ستیزانه یا اتخاذ موضع نفی‌گرایانه نیست.

طبیعی است که موسسه‌ای که به «ارتقای روابط مسلمانان و یهودیان» می‌پردازد، نمی‌تواند از پیامدهای وقایع جنگ جهانی دوم و اثرات سوء آن بر اهالی فلسطین بگذرد. بیت المقدس، شهری که برای پیروان سه مذهب، اهمیت دارد، هنوز در اشغال اسرائیل است و در قسمت شرقی آن که بنا بر مصوبه‌های سازمان ملل متحد، متعلق به فلسطینیان است، ساختن شهرک‌های استعماری برای یهودیان مهاجر اسرائیلی ادامه دارد. برای حل اختلافات اعراب و اسرائیل، باید به رنج‌های هر دو طرف پرداخت. با این اشاره که در یک طرف، بخش بزرگی از فلسطینی‌ها هنوز آواره و بی‌وطن‌اند.

بهتر است با نقل قولی از ادوارد سعید فقید، مهر باطل بر زبان منحرفان و متعصبان هر دو جناح بزنیم: «این نظر که هولوکوست [کشتار یهودیان] ساخته و پرداخته صهیونیست هاست، به طرز غیرقابل قبولی در این جا و آن جا تکرار می شود. چگونه می توانیم از تمام جهان انتظار داشته باشیم که به رنج ما اعراب واقف شوند، اگر خود درد دیگران را، هر چند متجاوز به ما باشند، نتوانیم درک کنیم.»

اما، کلود لانزمن را بهتر بشناسیم. او مدیر مجله «عصر نوین» است که ژان پل سارتر پایه گذاری کرد. در گذشته این نشریه نقش مهمی در بحث های روشنفکری در فرانسه ایفا می کرد. اما، این امری است مربوط به گذشته دور. لانزمن فیلمی درباره اسرائیل ساخته که ارتش آن کشور را به صورتی حماسه آفرین تحسین می کند! این حق دموکراتیک اوست. او علاوه بر فیلم شوا (درباره کشتار یهودیان) فیلم سومی ساخته به نام «چرا اسرائیل؟» که در آن به هیچوجه از عربها یاد نمی کند. در پاسخ به این سوال (لوموند- ۷ فوریه ۲۰۰۱) که چرا از آنان سخنی نگفته، می گوید: «خود آنان (اعراب) باید این کار را بکنند». با این حرف مفت، باید سیاهان درباره سیاه ها، عربها درباره عربها و یهودیان در باره یهودی ها بنویسند. یعنی با تکیه بر منطقی بومی، فرقه ای و قبیله ای یعنی منطق جنگی و به دور از آرمان های انسانی.

او با تمام نیرو از تجاوز اسرائیل به غزه پشتیبانی کرده و در برابر این سؤال که آیا پس از این تجاوز و جنایت نباید نسبت به فیلم خود در مورد ارتش «دفاعی» اسرائیل تجدید نظر کنید؟ پاسخ منفی می دهد و می گوید: «بس کنید. بمباران اسرائیلی ها هدفمند بود و قربانی هم دادند ولی بمباران های حماس بی هدف بودند و هر مکانی را زدند! او در این گفتگوی اینترنتی (سایت لوموند - ۱۹ مارس ۲۰۰۹) به طور همه جانبه از اسرائیل و سیاست هایش دفاع کرده و حتی جای کوچک ترین انتقادی نمی بیند.

بارون داوید روچیلد، از پایه گذاران اصلی این دو بنیاد، بانکدار میلیاردر فرانسوی است که در نیویورک زاده شده است. او رئیس افتخاری «بنیاد فرانسه-اسرائیل» است. بنیاد خانوادگی روچیلد، نقش بسیار مهمی در تداوم شهرک سازی های استعماری در سرزمین های فلسطینی داشته است. نقش روچیلدها را در تقسیم فلسطین نمی توان نادیده گرفت. بنیاد روچیلد از مهمترین تکیه گاه های مالی مهاجرت یهودیان به فلسطین بود و به واسطه نفوذشان بر حکومت بریتانیا، طرح تقسیم به سود یهودیان شکل گرفت.

اندره آزوله، مشاور ویژه پادشاه مراکش و رئیس بنیاد انا لیند برای مدیترانه است که هدفش را «نزدیکی اهالی دو ساحل مدیترانه» اعلام کرده است.

روژه کوکژمن، رئیس پیشین شورای نمایندگی نهادهای یهودی در فرانسه (کریف) است. او علاوه بر مسئولیت در کمپانی مالی روچیلد، عضو دفتر اجرائی «بنیاد سرمایه گذاری کوکورمن اند کمپانی» مستقر در اسرائیل است و ریاست آن شرکت با پسر وی است.

او در یک سخنرانی جنجال برانگیز اعلام کرد که ۹۵ درصد اعمال یهود ستیزانه را در فرانسه، مسلمانان مرتکب می شوند. وی همچنین در مراسم شام سالانه کریف در حضور نخست وزیر پیشین فرانسه، رافاژن از «اتحاد قهوه ای، سبز - سرخ» یهودی ستیز نام برد که موجب اعتراض حتی برخی شرکت کنندگان در جلسه قرار گرفت. او معاون «آلیانس اسرائیلیت یونیورسل» و کنگره جهانی یهود نیز است. و شگفتا که این فرد می خواهد مسلمانان را به یهودیان نزدیک کند.

بیشتر افرادی که در هیئت مدیره علاءالدین حضور دارند، از حامیان صهیونیسم و دوست دولت اسرائیل به شمار می روند. آن چه موجب شگفت است همکاری برخی روشنفکران ایرانی با این بنیاد است که با ظاهری انسان دوستانه و فریبنده، تبلیغ یهودیت و دوستی با اسرائیل را آشکارا هدف خود قرار داده است.

زمانی که صحبت از اسرائیل است، نمی توان سیاست های دولت های اسرائیل را نادیده گرفت. اشغال سرزمین های فلسطینی ادامه دارد و ساختمان شهرک های استعماری نیز همین طور.

و دولت اسرائیل با هر طرح یک صلح شرافتمندانه مخالفت می کند. آیا به صرف دشمنی کورکورانه احمدی نژاد و جمهوری اسلامی با اسرائیل و یا به خاطر مواضع یهودستیزانه مشمئزکننده آنان می توان دست دوستی به سوی «دشمن دشمن» خود دراز کرد.

### دشمن دشمن من الزاما دوست من نیست.

افرادی که خود را لائیک می دانند و پرچم لائیسیته را در هر محفلی بلند می کنند چگونه می پذیرند که با موسسه ای همکاری کند که یکی از مهم ترین هدف هایش را تبلیغ یهودیت و فرهنگ یهودی اعلام و مرکزیت اسرائیل، به بیان دقیق تر صهیونیسم را نیز در این فرهنگ، پنهان نمی سازد.

بخش فارسی سایت علاءالدین که هدف اصلی اش را نزدیکی اسلام با یهودیت تعیین می کند، به معرفی مفصل یهودیت، مذهب یهود و سابقه تاریخی آن می پردازد ولی معرفی فرهنگ اسلامی را به صفحه انگلیسی حواله می دهد! بنیادهای شوا و علاءالدین، هدف های خود را آشکارا بیان می کنند، اما هنگامی که نوبت به مسئله روابط اسرائیل و اعراب می رسد، خود را عقب می کشند. از همین جا، می توان به نیرنگ و فریب این بنیادهای صهیونیستی پی برد. چگونه می توان همکاری با چنین شخصیت هایی را که هدف شان فرسنگ ها با آرمان های واقعا انسانی فاصله دارد، توجیه کرد؟ هیچ کدام از دست اندرکاران اصلی این دو بنیاد، کوچکترین انتقادی به جنایت های دولت اسرائیل نکرده اند.

افرادی چون لانزمن، کارسلفلد، دو روچیلد، آن هیدالگو، از مدافعان سرسخت صهیونیسم و سیاست های دولت اسرائیل می باشند.

هدف از این نوشته زیر سوال بردن حق دموکراتیک افراد در انتخاب نوع فعالیت نیست. قصد، نشان دادن چهره واقعی شخصیت ها و تهادهایی ست که احساسات نیک انسان ها را ملعبه دست و در خدمت منافع محافل مشخصی قرار می دهند.

لانزمن، کارسلفلد و برخی دیگر، آن دسته از روشنفکران برجسته ای را که برخی حتی یهودی یا یهودی تبارند، به خاطر انتقادشان از سیاست های دولت اسرائیل، به اتهام «یهودی ستیزی» به دادگاه ها کشانده اند. اینان در هر محفلی دم از دموکراسی می زنند ولی تا صحبت از حقوق ملت فلسطین می شود، نه تنها لب نمی گشایند بلکه به حمایت بی قید و شرط از حکومت اسرائیل ادامه می دهند.

بنیاد علاءالدین در درجه نخست در خدمت تبلیغ فرهنگ یهودی و صد البته با برداشت های صهیونیستی است. پخش فیلم و ترجمه کتاب بهانه است. هر چند در بین کتاب های ترجمه شده توسط این بنیاد می توان اثر با ارزش پریمو لوی را نیز دید، منتهی، هدف اصلی چیز دیگری است که از لابلای نوشته های سایت های اینترنتی دو بنیاد یاد شده و فعالیت های مسئولان اصلی آن می توان به آن پی برد و در این نوشته تنها به برخی از آن ها اشاره شده است.

جادوی این علاءالدین بدون چراغ، تبلیغات پوشیده برای صهیونیسم و منافع دولت اسرائیل است که در پشت هدف های «انسان دوستانه» پنهان شده اند. تازه روشن نیست، که این بنیاد چه معجزه ای می خواهد بکند که نام علاءالدین را بر خود نهاده است.

## یادداشت ها:

- 1 – Fondation pour la mémoire de shoah
  - 2 – <http://www.fondationshoah.org>
  - 3 - <http://www.fondationshoah.org/FMS/s...>
  - 4 – <http://projetaladin.org/fa/%D9%87%D...>
  - 5 - <http://projetaladin.org/fa/%D9%87%D...>
  - 6 - <http://projetaladin.org/fa/fa-resso...>
  - 7
  - <http://www.claimscon.org/index.asp> <http://projetaladin.org/fa/%D8%B4%D...>
  - 8 – <http://www.edmondjsafra.org>
- 9- اسرائیل، فلسطین – حقایق درباره یک کشمکش، نوشته آلن گرش، ترجمه بهروز عارفی، انتشارات خاوران، پاریس، ۲۰۰۳

توضیح هنگام باز نشر مقاله در روز ۲۶ فوریه ۲۰۲۶:

اکنون و از مدت‌ها پیش، سایت "پروژه علاءالدین" <https://projetaladin.org> فقط به زبان‌های انگلیسی و فرانسه منتشر می‌شود، و زبان‌های ترکی، عربی و فارسی آن حذف شده است.